

## ارزیابی «نقل به معنا» و «تصحیف» در الجامع الصغیر

مصطفی همدانی

### چکیده

الجامع الصغیر، یکی از جوامع روایی معروف اهل سنت است که با روش الفبایی (بر حسب ابتدای روایات) تدوین شده است. این تحقیق به بررسی موارد تصحیف و نیز میزان روش مندی کتاب مذکور در «نقل به معنا»ی روایات پرداخته است. پژوهش حاضر، با روش تحلیل محتوای کمی و براساس نمونه‌ای که به روش سیستماتیک و طبقاتی تهیه شده، نگاشته شده است.

نتایج نشان داده است که با خطای پنج درصد می‌توان گفت سیوطی ۴۹٪ از روایات الجامع الصغیر را نقل به معنا کرده است. از میان این تعداد، هشت درصد را به شکل نادرست نقل به معنا کرده است و ۹۲٪ را به شکل درست نقل به معنا کرده و سهم تصحیف نیز در مجموع کتاب، کمتر از یک درصد است. در کنار این تحلیل کمی، گونه‌های «نقل به معنا»ی نادرست و درصد هر یک نیز به تفصیل مورد بررسی کیفی و استدلالی قرار گرفته‌اند. به علاوه، سیوطی برخلاف اعتقاد خود و نیز قاطبه اهل درایه عمل کرده است که معتقدند پس از تدوین جوامع روایی، نقل به معنا مطلقاً مجاز نیست.

کلیدواژه‌ها: نقل به معنا، تصحیف، الجامع الصغیر، سیوطی، معجم‌نگاری

### مقدمه

جلال الدین عبدالرحمان سیوطی، عالم شافعی قرن نهم و دهم<sup>۱</sup> و یکی از حدیث‌دانان و کاوش‌گران اخبار و آثار است. تألیف ششصد جلد کتاب و رساله کوچک و بزرگ در حوزه‌های

۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۹۷.

گونگون ادبی، فقهی، تفسیری، حدیثی و... به شکل مطبوع یا مخطوط<sup>۲</sup> از تلاش‌گری او حکایت دارد. از جمله تألیفات وی در حوزه حدیث، کتاب *الجامع الصغیر* است. این کتاب، خلاصه‌ای از روایات منتخب سیوطی است که آن را از کتاب حدیثی بزرگ خود، یعنی *الجامع الکبیر* (جمع الجوامع) برگزیده است.<sup>۳</sup>

کتاب *الجامع الصغیر*، در ساختار خود نوعی کوتاه‌نویسی را با استفاده از ظرفیت معجم‌نگاری درهم آمیخته و اثری مهم را خلق نموده است. معجم‌نویسی، یکی از شیوه‌های تدوین حدیث است که بر اساس حروف الفبا و طبق نام راویان، شهرها، صحابه و امثال آن نوشته می‌شود. *المعجم الکبیر طبرانی* بر اساس الفبا و طبق اصحاب است و *المعجم الاوسط طبرانی* بر اساس الفبا و طبق مشایخ است. یا ابن عساکر که *معجم البلدان* را بر اساس شهرها نوشته است.<sup>۴</sup> در این میان، سیوطی به ابتکاری جالب دست زده است و آن، تدوین احادیث بر اساس الفبا (حرف آغازین حدیث) است.

*الجامع الصغیر*، مورد توجه حدیث‌پژوهان پس از سیوطی قرار گرفته و به عنوان یک متن روایی، شرح و تفسیر قرار شده است. از شروح مهم *الجامع الصغیر* عبارت‌اند از: شرح شمس الدین محمد علقمی شافعی، از شاگردان سیوطی با نام *الکوکب المنیر* و نیز کتاب *الاستدراک النضیر علی الجامع الصغیر* اثر احمد بن محمد مَثْبُولی و نیز کتاب *فیض القدر*، تألیف عبدالرئوف مناوی شافعی<sup>۵</sup> و کتاب *السراج المنیر* شرح *الجامع الصغیر فی حدیث البشیر النذیر* اثر علی بن احمد عزیز.<sup>۶</sup>

سیوطی این کتاب را از صحاح سته، *مسند احمد*، *معاجم سه‌گانه طبرانی*، *صحیح ابن حبان*، *مسند ابویعلی موصلی*، *مسند بزار* و ده‌ها کتاب دیگر - که برخی تعداد این کتاب‌ها را به بیش از هفتاد جلد بالغ دانسته‌اند - گردآوری کرده است. به نظر می‌رسد سیوطی در بسیاری از موارد، دست به «نقل به معنا»ی روایات زده است؛ خصوصاً این که وی ملزم بوده است روایات را بر حسب الفبا عرضه کند و این الزام، محدودیت‌هایی خاص برای او ایجاد کرده و گونه‌هایی خاص از نقل به معنا را بر او تحمیل کرده است. البته اندکی از این تفاوت‌های معنایی موجود در *الجامع الصغیر* با مصادر آن را نمی‌توان به طور قاطع نقل به معنا

۲. جلال الدین السیوطی عصره و حیات و آثاره و جهوده فی الدرس اللغوی، ۳۸۱ - ۴۱۳.

۳. *فیض القدر*، ج ۱، ص ۲۳ و ۲۴؛ *کشف الظنون*، ج ۱، ص ۵۹۷.

۴. *الرسالة المستطرفة لبیان مشهور کتب السنة المشرفة*، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۳۷.

۵. *کشف الظنون*، ج ۱، ص ۵۶۰.

۶. دلیل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعة القديمة و الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۹.

نامید، بلکه احتمال تصحیف نیز در آنها وجود دارد که به جهت یکسانی در نتیجه - که همان تغییر محتوا است - هر دو در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند. در اینجا دو سؤال مهم مطرح است که: اولاً، سیوطی تا چه اندازه در نقل به معنای روایات موفق عمل کرده است؟ به این معنا که ایشان تا چه اندازه بر حسب قواعد علمی نقل به معنا - که در مبانی نظری توضیح داده خواهند شد - عمل کرده است؟ ثانیاً، در نسخه موجود از این کتاب تا چه اندازه تصحیف وجود دارد؟

این نوشتار، با انتخاب نمونه‌ای مشتمل بر چهارصد روایت از کل کتاب *الجامع الصغیر* - که بر اساس قواعد علم «احتمال» انتخاب شده است - و نیز با کمک گرفتن از روش «تحلیل محتوای کمی مقوله‌ای»، به ارزیابی *الجامع الصغیر* از نظر روش سیوطی در نقل به معنای روایات و تصحیف می‌پردازد تا اولاً، میزان نقل به معنا و تصحیف را در این کتاب مشخص کند؛ ثانیاً، انواع و گونه‌های درست و نادرست از نقل به معنا را مشخص کند؛ و ثالثاً، محدودیت‌های تحمیل شده از روش خاص ایشان در معجم‌نگاری (الفبایی) بر نقل به معنا را معین کند. در این تحقیق، همه چهارصد روایت نمونه را با تطبیق بر مصادر آنها (مصادری که سیوطی به آنها ارجاع داده است و نسخه آنها موجود بوده و روایت سیوطی نیز در آنها یافت شده است) مورد تحلیل قرار داده‌ایم.

نتایج حاصل از این نمونه، بر اساس مبانی علم احتمال و یا خطای مشخص که در مبانی روش شناختی و نیز مباحث نتیجه‌گیری بیان خواهد شد، قابل تعمیم به کل جامعه است؛ یعنی بر اساس نتایج نمونه، می‌توان در مورد کل کتاب *الجامع الصغیر* قضاوت نمود و نقل به معنا و تصحیف را در کل کتاب ارزیابی کرد.

### پیشینه تحقیق

در بین شارحان *الجامع الصغیر* دیده نشده است کسی به تصحیف‌های این کتاب اشاره کند؛ اما در مورد نقل به معنا، مناوی از شارحان کتاب، اولین کسی است که به سبب نقل به معنای ناصحیح سیوطی بروی خرده گرفته است. در اینجا به دو نمونه از نظرات وی اشاره می‌کنیم. سیوطی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که:

مَنْ أُفْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَى أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ.<sup>۷</sup>

۷. *الجامع الصغیر*، ج ۲، ص ۵۷۷.

ایشان این روایت را از ابن ابی الدنیا و حاکم نقل کرده و مناوی می‌گوید:

لفظ حاکم در اول حدیث این است: «من أفتی الناس بغير علم».<sup>۸</sup>

و نیز در شرح روایت «لَو تَعَلَّمُ الْمَرْأَةُ حَقَّ الزَّوْجِ لَمْ تَقْعُدْ مَا حَضَرَ عَدَاوَةٌ وَعَشَاؤُهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ»<sup>۹</sup> - که سیوطی آن را از طبرانی نقل کرده است - می‌نویسد:

لفظ طبرانی به جای «حَقَّ الزَّوْجِ» این است: ما حَقَّ الزَّوْجِ.<sup>۱۰</sup>

### چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق، عبارت است از نظریه «تصحیف» در علم «درایة الحدیث» و نیز «نقل به معنا» که در منابع علم «اصول استنباط» و دانش «درایة الحدیث» مطرح شده است.

### مبانی نظری نقل به معنا

مضمون محوری و شالوده اصلی این نظریه این است که بسیاری از احادیث شیعه و سنی به صورت نقل به معنا گزارش شده‌اند؛<sup>۱۱</sup> زیرا بیشتر اصحاب رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قدرت بر کتابت نداشته‌اند و احادیث نیز دارای گستردگی زیادی بوده‌اند و در عرف محاوره نیز بیان شده‌اند. و حتی در زمان صادقین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز با این که بسیاری از اصحاب بر کتابت الفاظ حدیث اصرار داشتند، نقل به معنا رواج داشته است.<sup>۱۲</sup>

معروف بین همه علمای مذاهب مختلف اسلامی این است که اگر راوی قطع به ادای کامل معنا داشته باشد، نقل به معنا مجاز است.<sup>۱۳</sup> در بین اصحاب ما کسبی مخالف جواز «نقل به معنا» صحیح نیست.<sup>۱۴</sup> تنها برخی چون مرحوم مجلسی اول، نقل به معنا را در هر حال مکروه می‌داند.<sup>۱۵</sup> اما در میان اهل سنت، برخی از اهل حدیث مطلقاً نقل به معنا را مجاز

۸. فیض القدیر، ج ۶، ص ۷۷.

۹. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۳۰.

۱۰. فیض القدیر، ج ۵، ص ۳۱۵.

۱۱. منطق فهم حدیث، ص ۳۸۹-۳۹۱؛ منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۲۸.

۱۲. منطق فهم حدیث، ص ۳۸۹-۳۹۱.

۱۳. مقیاس الهدایه، ج ۳، ص ۲۲۸؛ فتح الباقی، ج ۲، ص ۷۵؛ معرفة أنواع علوم الحدیث، ص ۲۳۳.

۱۴. معالم الدین، ص ۲۱۲.

۱۵. رک: لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۷۴.

ندانسته‌اند؛ بدون تفصیل بین عالم به معنا و غیرعالم.<sup>۱۶</sup> حتی از مالک نقل شده است که تبدیل «باء» به «تاء» در مثل «بِاللَّهِ» و «تَاللَّهِ» را مجاز نمی‌داند.<sup>۱۷</sup> مستند اهل سنت در جواز، روایت نبوی ﷺ است که:

إِذَا لَمْ تُحْلُوا حَرَامًا، وَلَمْ تُحَرِّمُوا حَلَالًا، وَأَصَبْتُمُ الْمَعْنَى، فَلَا بَأْسَ.<sup>۱۸</sup>

و مستند شیعه نیز روایت «إِذَا أَصَبْتَ الصُّلْبَ مِنْهُ فَلَا بَأْسَ إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ تَعَالَى وَهَلَمْ وَ أَقْعُدُ وَاجْلِسُ»<sup>۱۹</sup> و روایت «إِذَا أَصَبْتَ الْمَعْنَى فَلَا بَأْسَ»<sup>۲۰</sup> و روایت «إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ»<sup>۲۱</sup> است.

مجوزین نقل به معنا چند شرط را برای تجویز نقل به معنا دارند که همگی با بیانات مختلفی که دارند، همان یک شرط اصلی، یعنی یقین به «انتقال کامل معنا در عبارات جدید» را تفصیل داده‌اند:

۱. ناقل، عالم به معنای حقیقی الفاظ بوده و قرائن دال بر خلاف آن را بداند.<sup>۲۲</sup> و دقیق روش خطاب از عام و خاص و ظاهر و ظاهر و... را بداند<sup>۲۳</sup> و معانی الفاظ و میزان تفاوت آنها را بشناسد.<sup>۲۴</sup>

۲. نقل، کمتر از معنای را در بر نگیرد؛ یعنی نقل به گونه‌ای نباشد که خلاف مروی عنه از آن فهم شود؛ مثلاً مطلق را بدون قید یا مجاز را خالی از قرینه ذکر کند.<sup>۲۵</sup>

۳. در خفا و جلا و در وضوح و خفای منتج به محکم یا متشابه شدن، مساوی اصل باشد؛ به این معنا که از آنجا که خطاب شرعی بنا به مصالحی، گاهی با محکومات ادا می‌شود و گاهی با متشابهات پس این دو نباید خلط شوند.<sup>۲۶</sup>

باید توجه کرد که در نقل به معنا، طبق نظر قایلین به جواز نیز دو مورد استثنا وجود دارد:

۱۶. الکفایة، ص ۱۹۷.
۱۷. بیان المختصر، ج ۱، ص ۷۳۲.
۱۸. المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۰۰.
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۰۵.
۲۰. همان، ج ۲۷، ص ۱۰۵.
۲۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۱.
۲۲. قوانین الاصول، ج ۲، ص ۵۲۲؛ مقیاس الهدایه، ج ۳، ص ۲۴۵؛ الکفایة، ص ۱۹۷؛ تدریب الراوی، ج ۱، ص ۵۳۱.
۲۳. المستصفی، ج ۱، ص ۱۳۴.
۲۴. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۵۳۱.
۲۵. مقیاس الهدایه، ج ۳، ص ۲۴۶؛ المستصفی، ج ۱، ص ۱۳۴.
۲۶. مقیاس الهدایه، ج ۳، ص ۲۴۶؛ الفصول الغرویه، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ قوانین الاصول، ج ۲، ص ۵۲۲.

۱. محل نزاع، احادیث متعلق به احکام است؛ اما در ادعیه و اذکار، همه عالمان دین اتفاق نظر دارند که باید عین روایت را نقل کرد؛ زیرا عینیت در آنها دخل دارد و برای همین هم ائمه اطهار معمولاً آنها را املا می‌کردند و اصحاب می‌نوشتند و از این رو، اختلاف در آنها نادر است.<sup>۲۷</sup>

۲. اختلاف مذکور در مصنفات جاری نیست؛ زیرا نقل به معنا در جایی است که کتب تدوین نشده‌اند و وقتی در اوراق تدوین صورت گرفته، نقل به معنای مجاز نیست؛ مگر این که مجبور باشد و آن هم با این شرط که به این کار تصریح کند.<sup>۲۸</sup>

### مبانی نظری تصحیف

تصحیف، عبارت است از اشتباه‌های غیر عمدی و بدون قصد تحریف که هنگام شنیدن یا نگارش روایات در حروف و اعراب به جهت تقارب مخرج و آواها انجام می‌گیرد.<sup>۲۹</sup>

تصحیف در روایات کم و بیش وجود دارد و برخی تک‌نگاری‌ها در محافل علمی سنی و شیعه در این موضوع نگاشته شده است.<sup>۳۰</sup>

حروفی که در ادا کردن قریب المخرج (هم‌آوا) هستند یا در نگارش به هم شبیه هستند، باعث تصحیف می‌شوند.<sup>۳۱</sup> تصحیف از مشکلات روایات است و تنها افراد حاذق در دانش روایت از عهده تشخیص آن برمی‌آیند.<sup>۳۲</sup> پیشینیان برای پرهیز از ابتلا به تصحیف، دواصل مهم، یعنی تعلّم دقیق ادبیات عرب و نیز دریافت شفاهی روایات از زبان استادان روایت را توصیه می‌کرده‌اند.<sup>۳۳</sup>

تصحیف گاهی در اثر خوب نشنیدن است و گاهی در اثر خوب ندیدن؛ مانند حدیث «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَاتَّبَعَهُ سِتًّا مِنْ سُؤَالٍ» که صولی «سِتًّا» را «شَيْئًا» انگاشته است.<sup>۳۴</sup> تصحیف یا

۲۷. مقیاس الهدایه، ج ۳، ص ۲۵۰.

۲۸. همان، ج ۳، ص ۲۵۲؛ تدریب الراوی، ج ۱، ص ۵۳۷؛ منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۲۸.

۲۹. رک: تدریب الراوی، ج ۲، ص ۶۴۹؛ وصول الاخیار، ص ۴۲۰؛ درسنامه فهم حدیث، ص ۱۸۵؛ اسباب اختلاف الحدیث، ص ۱۴؛ دانش درایة الحدیث، ص ۱۳۶؛ التصحیف فی متن الحدیث، ص ۲۷.

۳۰. مانند التصحیف تألیف دارقطنی و نیز التصحیف فی متن الحدیث تألیف حیدر مسجدی.

۳۱. رک: درسنامه فهم حدیث، ص ۱۸۵؛ اسباب اختلاف الحدیث، ص ۱۴۲.

۳۲. تدریب الراوی، ج ۲، ص ۶۴۸.

۳۳. الرعاية، ص ۲۶۴.

۳۴. تدریب الراوی، ج ۲، ص ۶۴۹؛ وصول الاخیار، ص ۴۲۰.

در سند روایت است و یا در متن روایت،<sup>۳۵</sup> اما به جهت محوریت تصحیف‌های مؤثر در معنا و نیز فقدان سند (به طور کامل) در *الجامع الصغیر*، در این تحقیق مقصود از تصحیف، همان تصحیف متن است.

در تصحیف، فرض بر این است که قصد تحریف وجود ندارد<sup>۳۶</sup> و تصحیف عبارت است از خطا در روایت کردن حدیث؛ اما نقل به معنا یعنی نقل مضمون حدیث بدون تحفظ بر الفاظ.<sup>۳۷</sup>

### مبانی روش شناختی تحقیق

این مبانی در چند محور تبیین می‌شوند:

#### نوع و روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و به روش تلفیقی (کتابخانه‌ای<sup>۳۸</sup>) - تحلیل محتوای کمی<sup>۳۹</sup>) انجام خواهد گرفت؛ زیرا روش شناسان معتقدند ترکیب روش‌های کمی و کیفی سبب می‌شود نقاط ضعف هر یک توسط دیگری پوشیده شود و اعتبار هم را تقویت کرده و دانشی گسترده‌تر درباره موضوع به نسبت به تحلیل آن با رویکرد واحد به دست دهند و نتیجه واحدی را تأیید کنند.<sup>۴۰</sup>

تحلیل محتوای کمی دارای تکنیک‌های مختلفی است و آنچه در اینجا انجام می‌گیرد، تحلیل محتوای مقوله‌ای است که در آن به شمارش اجزای پیام بر اساس تجزیه به مقولات پرداخته می‌شود.<sup>۴۱</sup>

۳۵. الرعاية، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۳۶. رک: دانش درایة الحدیث، ص ۱۳۶.

۳۷. التصحیف فی متن الحدیث، ص ۲۷.

۳۸. روش کتابخانه‌ای (Documentary research)، از آغاز تا انتها بر مطالعه کتب و اسناد و نرم افزارهای حاوی متون علمی مبتنی است و با ابزارهایی مانند فیش و جدول و فرم و ... به کمک استدلال عقلی به بررسی متون برای دست یافتن به پاسخ سوال می‌پردازد (مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، ص ۱۶۴-۱۷۲) و در تحقیق حاضر، در بخش دوم یافته‌ها به کار می‌رود.

۳۹. تحلیل محتوای کمی (Content quantitative Analysis)، فن پژوهشی توصیف نظام مند و تکرارپذیر محتوا است که طی آن، ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود (تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، ص ۲۵؛ تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ص ۱۹).

۴۰. رک: روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۲۴۲؛ درآمدی بر تحقیق کیفی، ص ۴۳ و ۴۵.

۴۱. تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۱۲.

## متن مورد بررسی، جامعه و نمونه

متن دو جلد کتاب *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، متن مورد بررسی و جامعه آماری در این تحقیق است.

در این پژوهش، نمونه به روش تصادفی (random sampling)<sup>۴۲</sup> انتخاب می‌شود. از انواع روش‌های نمونه‌گیری احتمالی نیز نمونه‌گیری طبقه‌بندی<sup>۴۳</sup> (Stratification Sampling) انتخاب شده است. همچنین در انتخاب افراد هر طبقه، نمونه‌گیری منظم<sup>۴۴</sup> (systematic sampling) مورد استفاده قرار گرفته است.

میزان اطمینان<sup>۴۵</sup> در این تحقیق، ۹۵ درصد لحاظ شده است. از طرف دیگر، روش‌شناسان معتقدند برای اطمینان سطح ۹۵ درصد - که سطح اطمینان این تحقیق است - چهارصد مورد برای نمونه کافی است<sup>۴۶</sup> از این رو، میزان نمونه را نیز چهارصد روایت قرار داده‌ایم.

از آنجا که جلد اول کتاب دارای هیجده باب و جلد دوم دارای چهل باب است، بنا بر این در مجموع به نمونه‌گیری در ۵۸ طبقه نیاز داریم. اما هر طبقه دارای تعداد مختلفی از روایت

۴۲. علت انتخاب این روش این است که یکی از مطمئن‌ترین روش‌های نمونه‌گیری است (تحقیق در علوم/ اجتماعی، ص ۳۹۸)؛ زیرا همه اعضای تعریف شده در آن جهت انتخاب شدن شانس برابر دارند (روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، ص ۱۱۶) و نتایج این نمونه‌ها قابلیت تعمیم به کل جامعه مورد نظر را دارد (مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، ص ۱۲۳).

۴۳. علت استفاده از این نمونه‌گیری در چند امتیاز آن است که باعث افزایش اعتبار بیرونی تحقیق (قابلیت تعمیم) می‌شوند؛ اولاً، به علت کم‌تر بودن واریانس داخلی طبقات از واریانس کل جامعه نسبت به تصادفی ساده، احتمال خطای نمونه‌گیری را بیشتر کاهش می‌دهد. (رک: تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۴۴۷؛ گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ص ۹۴) ثانیاً، ابواب کتاب *الجامع الصغیر* همگون نیستند و گاهی طبقه‌ای صدها روایت دارد و گاهی چند ده روایت؛ بنا بر این نمونه‌گیری ساده و سیستماتیک هیچ کدام نمی‌توانند نمونه‌ای معرف و قابل تعمیم به کل جامعه (کل کتاب) به دست دهند. ثالثاً، می‌توان برای هر طبقه برآورد جداگانه‌ای از پارامترهای جامعه به دست آورد (گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ص ۹۳).

۴۴. نمونه‌گیری منظم، در مواردی دقیق‌تر از نمونه‌گیری ساده است. در نمونه‌گیری منظم (سیستماتیک) هر عنصر  $k$  ام در کل فهرست انتخاب می‌شود تا در نمونه گنجانده شود. و  $k$  عبارت است از فاصله دو نمونه که بر حسب تعداد نمونه محاسبه می‌شود (تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۴۴۵).

۴۵. در منابع روش تحقیق، آلفا ( $\alpha$ ) که همان سطح خطای نمونه‌گیری است که محقق در نظر می‌گیرد را در سطح اطمینان ۹۵٪، و در بازه ۱٪ تا ۱۰٪ قابل قبول می‌دانند (پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ص ۷۸)؛ بلکه برخی روش‌شناسان سطح احتمال خطایذیری را ۱۰ درصد را نیز صحیح می‌دانند (روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی، ص ۱۱۹).

۴۶. پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ص ۷۸.



است و برخی طبقات دارای اختلاف فاحشی با دیگر طبقات هستند.<sup>۴۷</sup> بنا بر این سهم هر طبقه به تناسب حجم آن طبقه محاسبه و تخصیص داده شده است.

### مقولات، رده‌ها و واحدهای تحلیل

مقوله در تحلیل محتوا عبارت است از فضایی که واحدها باید در آن طبقه‌بندی شوند. و ارزش تحلیل محتوا بر پایه مقولات آن است؛ چون مواد اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهند.<sup>۴۸</sup> در این تحقیق، مقولات بر اساس مبانی نظری ارائه شده در چارچوب نظری درباره نقل به معنا و انواع آن ایجاد شده‌اند. این مقولات این تحقیق در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۱. مقولات تحلیل		
مقولات فرعی	مقولات اصلی	ردیف
نقل از یک منبع	عدم «نقل به معنا» (نقل بعینه)	۱
نقل از چند منبع		
نقل از یک منبع	«نقل به معنا»ی درست	۲
نقل از چند منبع		
«نقل به معنا»ی غیر مساوی با معنای اصلی	«نقل به معنا»ی نادرست	۳
«نقل به معنا»ی اذکار		
«نقل به معنا»ی ادعیه		

پاره‌ای از مقولات - که همان آثار «نقل به معنا»ی نادرست باشد - نیز با مطالعه افراد نمونه کشف شده‌اند که در بخش دوم یافته‌های تحقیق ارائه خواهند شد.

### تعاریف عملیاتی (Operational definitions) و دستورالعمل کدگذاری (analysis protocol)

مقصود از تعریف عملیاتی دستورالعمل کدگذاری است که عبارت از «مشخص ساختن حدود یک متغیر و تعیین حوزه عملیاتی آن، تعیین معیارها و ملاک تجربی و عملی به منظور اندازه‌گیری و سنجش آن متغیر است».<sup>۴۹</sup> اصول کدگذاری در این تحقیق، دودر حوزه است: تعیین نقل به معنا بر حسب تعداد منبع اصلی - که بررسی نقل به معنا در این موارد با مراجعه به منبعی که سیوطی از آن نقل کرده است - انجام گرفته است و تشخیص آنها هم آسان است. حوزه دوم، تعیین «نقل به معنا»ی درست و نادرست است که بر اساس الگوی موجود در چارچوب نظری - که در این تحقیق تدوین شده است - انجام می‌گیرد.

۴۷. مثلاً طبقه اول - که حرف همزه است - دارای ۳۱۱۰ روایت است و در مقابل، طبقه دوم - که حرف باء است - تنها ۷۹ روایت دارد و طبقه سی و دوم - که حرف ظاء است - تنها یک روایت دارد.

۴۸. روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، ج ۱، ص ۳۱۶.

۴۹. روش تحلیل محتوا، ص ۱۰۵.

## روش تجزیه و تحلیل

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق، توصیفی (Descriptive Analysis)، یعنی کردن خلاصه نتایج تحقیق در نمونه، به کمک آمار توصیفی مانند جدول و نمودار است.<sup>۵۰</sup>

## اعتبار و پایایی

اولین منبع تأمین اعتبار این تحقیق، اعتبار صوری (Face Validity) است که عبارت از آن است که داوران صالح و ماهر، اعلام کنند که یافته‌های تحقیق جزئی از دانش علمی است.<sup>۵۱</sup>

دغدغه‌ای که در اعتبار این تحقیق وجود دارد، این است که ممکن است در برخی مبانی آماری این تحقیق از جمله طبیعی نبودن توزیع در جامعه آماری در این تحقیق خدشه‌هایی وارد شود که این نوشتار گنجایش تفصیل آن را ندارد؛ اما بر فرض پذیرش این مسئله نیز به علت قوت مبانی آماری به کار رفته و نیز نوع خاص این تحقیق، خدشه‌ای بر مبنا و نتایج این پژوهش وارد نخواهد شد.<sup>۵۲</sup>

ارزیابی پایایی این تحقیق از طریق آزمون - آزمون مجدد (test - retest method) - که یکی از روش‌های بررسی پایایی است<sup>۵۳</sup> - انجام گرفته و ضریب پایایی با کمک فورمول پای (pi) اسکات<sup>۵۴</sup> محاسبه شده است. درصد توافق دو کدگذار در همه متغیرها

۵۰. زیرا تحلیل محتوا در این تحقیق تک متغیره با سطح سنجش اسمی است و در تحلیل یک متغیره با سطح سنجش اسمی از توزیع فراوانی (frequency distribution) استفاده می‌شود و ساده‌ترین راه تبیین فراوانی از طریق جدولی که سطور آن را حالات متغیرها و یک ستون آن فراوانی هر حالت از متغیر و یک ستون هم درصد فراوانی آن حالت تشکیل می‌دهد ارائه می‌شود (پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ص ۱۳۷ - ۱۴۰).

۵۱. تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، ص ۱۵۶.

۵۲. زیرا اولاً، این نمونه از طریق مناسب‌ترین روش، یعنی تصادفی طبقاتی انتخاب شده است و به همین جهت ضعف پراکنش و توزیع (بر فرض وجود) را می‌توان با قوت نمونه‌گیری جبران نمود و این نوع جبران، از روش‌های مقبول و شاید منحصر به فرد در آمار و نمونه‌گیری است. ثانیاً، همان‌طور که در مبانی روشی گفته شد، میزان خطا در این تحقیق در حد بسیار کم (پنج درصد) لحاظ شده است و از نظر مبانی آماری، این مسئله امتیازی مهم در قدرت تعمیم است. همچنین، بر فرض وارد شدن این اشکال، هدف این تحقیق، با پژوهش در علوم اجتماعی تفاوت دارد؛ به این معنا که در این تحقیق، ارزیابی کتاب جامع‌الصغیر از نظر میزان اطمینان در استنادات سیوطی مورد توجه است و نتایج نمونه مورد بررسی تفصیلی کیفی - که در این تحقیق با روش کتابخانه‌ای ارائه شده است - برای این اظهار نظر کافی است؛ زیرا همین که قدر معتنا بهی از روایات مورد بررسی قرار گیرد، و اطمینان مورد نظر خدشه دار شود، می‌توان در مورد همه کتاب اظهار نظر کرد؛ گرچه ضریب اطمینان در تعمیم نتایج نمونه به جامعه قابل خدشه باشد.

۵۳. پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ص ۶۲.

۵۴. تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

صد درصد به دست آمده است و شاخص در ارزش ضریب پایایی آن است که از ۷٪ کمتر نباشد. در غیر این صورت، برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل روبه رو خواهند بود<sup>۵۵</sup> و از آنجا که نتیجه محاسبه فوق بالاتر از این میزان است، این تحقیق، پایا است.

### یافته‌های تحقیق

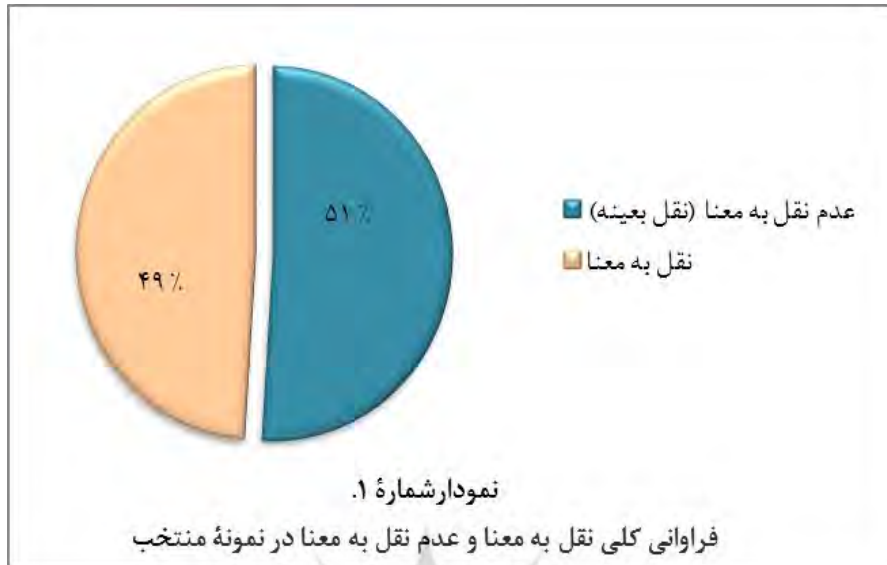
یافته‌های تحقیق در سه دسته کلی ارائه می‌شوند: نگاهی کلی به انواع نقل به معنا در نمونه، نگاهی کلی به تصحیف در نمونه و بررسی استدلالی برخی موارد از «نقل به معنا»ی نادرست.

#### نگاه کلی به انواع نقل به معنا در نمونه منتخب

از چهارده مورد افراد نمونه، تعداد ۴۲ روایت در مورد آنها قضاوتی انجام نگرفت؛ زیرا در ۲۷ مورد، کتابی که سیوطی به آن ارجاع داده بود، یافت شد، اما روایت در آن کتاب یافت نشد و در پانزده مورد هم کتاب مورد ارجاع ایشان در زمان ما نایاب بوده است؛ مانند خماسیات، تألیف زاهر بن طاهر و طب النبی، تألیف ابن سنی. در مورد بقیه - که ۳۵۸ مورد است - این نتایج به دست آمده است: در کل نمونه، در ۱۷۷ مورد، یعنی حدود ۴۹٪ نقل به معنا وجود دارد؛ یعنی مصداری که سیوطی روایت را به آنها ارجاع داده است، دارای نقل‌هایی متفاوت با ایشان هستند و در ۱۸۲ مورد، یعنی ۵۱٪ نقل به عینه است. البته جمع ۱۷۷ و ۱۸۲، عبارت است از عدد ۳۵۹، یعنی یک عدد بیشتر از ۳۵۸ مورد کل که این افزونی یک واحد، به علت وجود دو مورد نقل به معنای نادرست در یک روایت است. این نتایج در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. فراوانی کلی نقل به معنا و عدم نقل به معنا در نمونه منتخب			
ردیف	نوع نقل به معنا	فراوانی	درصد
۱	عدم نقل به معنا (نقل بعینه)	۱۸۲	۵۱٪
۲	نقل به معنا	۱۷۷	۴۹٪
مجموع		۳۵۹	۱۰۰٪

۵۵. تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، ص ۱۵۱.



در بین تعداد مواردی که نقل به عینه شده است، صد و چهل مورد را از یک منبع عیناً نقل کرده است.

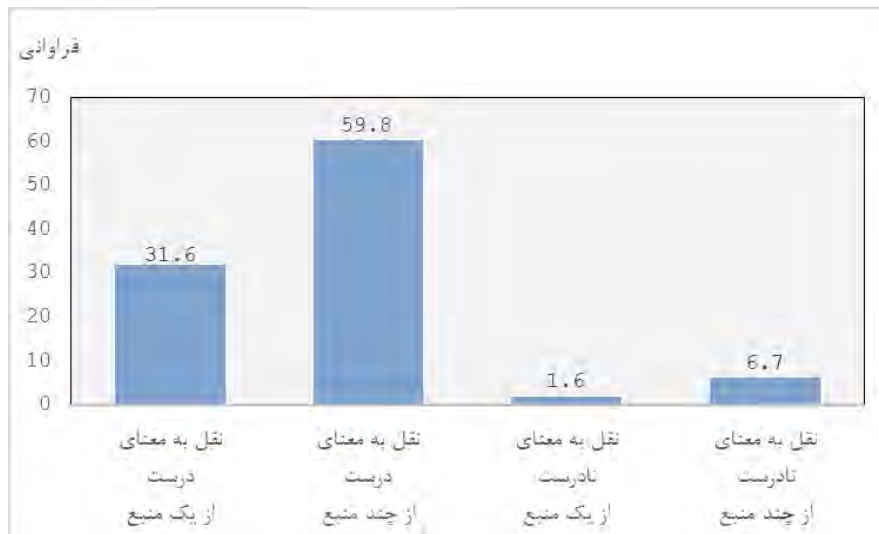
در بین تعداد مواردی که نقل به معنا (درست یا نادرست) وجود دارد، تقریباً ۳۱/۶۳٪ نقل به معنای درست از یک منبع است<sup>۵۶</sup> و تقریباً ۵۹/۸۸٪ نقل به معنای درست از چند منبع است و تقریباً ۱/۶۹٪ نیز نقل به معنای نادرست از یک منبع و تقریباً ۶/۷۷٪ نقل به معنای نادرست از چند منبع وجود دارد. این یافته‌ها در جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۳. فراوانی گونه‌های «نقل به معنا» در نمونه منتخب بر اساس تعدد و عدم تعدد منبع

ردیف	نوع نقل به معنا		فراوانی	درصد
	نقل به معنای درست	نقل به معنای نادرست		
۱	نقل به معنای درست	از یک منبع	۵۶	۳۱/۶۳٪
	نقل به معنای درست	از چند منبع	۱۰۶	۵۹/۸۸٪
۲	نقل به معنای نادرست	از یک منبع	۳	۱/۶۹٪
	نقل به معنای نادرست	از چند منبع	۱۲	۶/۷۷٪
		مجموع	۱۷۷	۹۹/۹۷٪

۸٪ ≈

۵۶. تقریبی بودن اعداد به جهت وجود اعشار و گرد شدن عدد طبق مبانی ریاضی است.



نمودار شماره ۲. فراوانی گونه‌های «نقل به معنا» در نمونه منتخب بر حسب تعدد و عدم تعدد منبع

#### نگاه کلی به تصحیف در نمونه منتخب

طبق یافته‌ها، تنها سه مورد تصحیف در این نمونه به دست آمده است. این میزان در مجموع نمونه - که ۳۵۸ مورد روایت است - سه مورد، یعنی حدود ۰/۸۳٪ (هشتاد و سه صدم درصد)، یعنی کمتر از یک درصد است.

#### بررسی استدلالی موارد «تصحیف» و «نقل به معنا»ی نادرست در نمونه منتخب

در این قسمت از یافته‌ها، روایات موجود در نمونه را - که به شکلی نادرست نقل به معنا شده یا مورد تصحیف قرار گرفته‌اند - با ارائه اصل آن روایات و تعیین موارد احتمالی تصحیف و نیز استدلال بروجه نادرستی نقل به معنا (بر اساس مبانی ارائه شده در چارچوب نظری) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### نقل به معنای ذکر یا تصحیف آن

سیوطی از سنن ترمذی، المستدرک حاکم و سنن ابی داوود نقل کرده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

إِذَا أَكَلْتُمْ طَعَامًا فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ، فَإِنْ نَسِيتُمْ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ.<sup>۵۷</sup>

۵۷. هرگاه فردی از شما غذایی خورد، در آغاز غذا «بسم الله» بگوید و اگر نام خدا را در آغاز غذا خوردن فراموش کرد، [هرگاه

اما حاکم نیشابوری و ترمذی به جای «علی» در این ذکر، تعبیر «فی» درج کرده‌اند؛ یعنی:

بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ.<sup>۵۸</sup>

و ابوداوود نیز هیچ کدام از این دو تعبیر را ندارد، بلکه نوشته است:

بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ.<sup>۵۹</sup>

طبق مباحث پیش‌گفته در مبانی نظری در فرق بین تصحیف و نقل به معنا، تفاوت نقل سیوطی با حاکم نیشابوری و ترمذی را می‌توان با احتمال تصحیف از دایره نقل به معنا بیرون کرد؛ زیرا «فی» و «علی» در نگارش متون خطی، به خصوص برخی دست‌خط‌ها به هم شبیه هستند؛ اما فقدان «علی» در نسخه ابوداوود و وجود آن در کتاب الجامع الصغیر، مشکلی است که با احتمال تصحیف قابل توجیه نیست. بنا بر این، اگر این مورد را تصحیف ندانیم، نقل به معنا از نوع نادرست است؛ زیرا در مبانی نظری گفته شد که اذکار را نباید نقل به معنا کرد.

#### نقل به معنای ادعیه

سیوطی از ترمذی و نسایی به نقل از شداد بن اوس روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ در دعایی فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّيِّبَاتِ فِي الْأَمْرِ، وَأَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشْدِ، وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَ حُسْنَ عِبَادَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ لِسَانًا صَادِقًا، وَقَلْبًا سَلِيمًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمُ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعَلَّمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ بِمَا تَعَلَّمُ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ.<sup>۶۰</sup>

سیوطی این روایت را از ترمذی و نسایی به نقل از شداد بن اوس روایت کرده و اصل آن در ترمذی همین است،<sup>۶۱</sup> اما در نقل نسایی پس و پیش‌هایی وجود دارد و بخش‌های آخر نیز وجود ندارد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّيِّبَاتِ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ، وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَ حُسْنَ عِبَادَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ قَلْبًا سَلِيمًا، وَلِسَانًا صَادِقًا، وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعَلَّمُ، وَ

به یاد آورد [بگوید] «بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ» (الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۷۵).

۵۸. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۵۲؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۲۱.

۵۹. سنن ابی داوود، ج ۳، ص ۳۴۷.

۶۰. الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۲۶.

۶۱. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۴۸.

أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمَ، وَأَسْتَعْفِرُكَ لِمَا تَعَلَّمَ.<sup>۶۲</sup>

نباید پنداشت که این پس و پیش ها تفاوتی در معنا ندارد؛ زیرا اولاً در مبانی نظری گفته شد که دعا را نباید نقل به معنا کرد. به علاوه، این تغییرات معنا را دگرگون کرده است؛ به عنوان مثال، نسایی به جای «وَأَسْأَلُكَ لِسَانًا صَادِقًا، وَقَلْبًا سَلِيمًا» تعبیر «وَأَسْأَلُكَ قَلْبًا سَلِيمًا، وَ لِسَانًا صَادِقًا» دارد و حال آن که تقدم درخواست زبان صادق بر درخواست قلب سلیم، می تواند به این معنا باشد که تا زبان به صدق نرسد، قلب نمی تواند سالم باشد؛ همان طور که روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود:

لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ.<sup>۶۳</sup>

#### حذف اجزا و قیود دخیل در معنا

این نقل به معنای نادرست، دارای هفت مورد در نمونه منتخب است که در برخی موارد احتمال تصحیف نیز وجود دارد:

۱. إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ نَظْرَةً كَانَ لِلْوَلَدِ عَدْلٌ عِثْقِي نَسَمَةٍ.<sup>۶۴</sup>

سیوطی این روایت را از کتاب طبرانی و به نقل از ابن عباس نقل کرده است. او مشخص نکرده است که کدام کتاب طبرانی را در نظر دارد. این روایت در المعجم الصغیر طبرانی ذکر نشده و در المعجم الکبیر وی نیز به این شکل از ابن عباس روایت شده است:

إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ فَسَرَّهُ كَانَ لِلْوَلَدِ عِثْقِي نَسَمَةٍ.<sup>۶۵</sup>

و در کتاب دیگر طبرانی، یعنی المعجم الاوسط هم به همین عبارت نقل شده است؛ با این تفاوت که به جای «اکثر» لفظ «اکبر» قرار دارد.<sup>۶۶</sup> سیوطی در نقل خود، قید «فَسَرَّهُ» را حذف کرده اند؛ با این که در معنا دخیل است. بنا بر این، این نقل به معنا، به علت حذف قید معناساز، با معنای اصلی مساوی نیست.

۲. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُلْحِخِينَ فِي الدُّعَاءِ.<sup>۶۷</sup>

سیوطی این روایت را از حکیم ترمذی در النوادر و نیز ابن عدی در الکامل و بیهقی در

۶۲. السنن الصغری، ج ۳، ص ۵۴.

۶۳. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مسند ابن حنبل، ج ۲۰، ص ۳۴۳؛ مسند قضاعی، ج ۲، ص ۶۲.

۶۴. الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۴.

۶۵. المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۳۹.

۶۶. المعجم الاوسط، ج ۸، ص ۲۸۳.

۶۷. الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۸۶.

شعب‌الایمان، از عایشه روایت کرده است. اصل آن در کتب النوادر و الکامل همین است؛<sup>۶۸</sup> اما در کتاب شعب‌الایمان، به جای تعبیر «يُحِبُّ»، تعبیر «لِيُحِبُّ» وجود دارد.<sup>۶۹</sup> بنا بر این، این نقل به معنا، به علت حذف تأکید معنا ساز در «لام» تأکید، با معنای اصلی مساوی نیست؛ مگر این که این تفاوت را مصداق مبانی نظری طرح شده درباره تصحیف در آغاز این مقاله ارزیابی کرده و آن را محصول تصحیف کاتبان بدانیم.

۳. مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَمَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي لَيْلَةٍ سَبْعِينَ مَرَّةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ.<sup>۷۰</sup>

سیوطی این روایت را از کتاب عمل الیوم واللیله، تألیف ابن سنی، از عایشه نقل کرده است، اما در منبع اصلی، به جای «الْكَاذِبِينَ»، «الْغَافِلِينَ» وجود دارد و نیز غافل محسوب نشدن را در عبارت اول به «فِي يَوْمِهِ» مقید کرده است و در عبارت دوم نیز آن را به «فِي لَيْلَتِهِ» مقید کرده است.<sup>۷۱</sup> بنا بر این، این نقل به معنا، به علت حذف برخی قیود معنا ساز، با معنای اصلی مساوی نیست.

۴. مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حَطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.<sup>۷۲</sup>

سیوطی این روایت را از صحیح البخاری، صحیح مسلم، سنن الترمذی، مسند احمد و سنن ابن ماجه نقل کرده است و در روایت بخاری، مسلم و ابن حنبل به همین شکل نقل شده است،<sup>۷۳</sup> اما در روایت ابن ماجه، قید «فِي يَوْمٍ» وجود ندارد.<sup>۷۴</sup> در روایت ترمذی نیز قید «فِي يَوْمٍ» وجود ندارد و به جای «مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» نیز «أَكْثَرُ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ» نگاشته است.<sup>۷۵</sup> بنا بر این، این نقل به معنا، به علت حذف برخی قیود معنا ساز، با معنای اصلی مساوی نیست. تبدیل لفظ «اکثر» به «مثل» نیز در ذیل بخش بعد درج می شود.

۵. الصبر رضا.<sup>۷۶</sup>

۶۸. النوادر، ج ۲، ص ۲۸۲؛ الکامل، ج ۸، ص ۵۰۰.  
 ۶۹. شعب‌الایمان، ج ۲، ص ۳۶۴.  
 ۷۰. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۶۷.  
 ۷۱. عمل الیوم واللیله، ص ۳۲۴.  
 ۷۲. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۲۸.  
 ۷۳. مسند ابن حنبل، ج ۱۳، ص ۳۸۵؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۷۱؛ صحیح البخاری، ج ۸، ص ۸۶.  
 ۷۴. سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۷۱۸.  
 ۷۵. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۸۹.  
 ۷۶. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۱۳.



سیوطی این روایت را از ترمذی در *النوادر* و ابن عساکر در *تاریخ دمشق* از ابوموسی نقل کرده است و در روایت ترمذی به همین شکل است؛<sup>۷۷</sup> اما در روایت ابن عساکر، رضا را با «ال» ذکر کرده است.<sup>۷۸</sup> روشن است که این دو روایت تفاوت معنایی زیادی دارند؛ زیرا طبق روایت «الصبر رضا»، یعنی صبر، خود نوعی رضایت و مرتبه‌ای از مقام رضا است؛<sup>۷۹</sup> اما طبق روایت «الصبر الرضا»، یعنی صبر، همان رضا است و با هم نوعی اتحاد دارند. بنا بر این، این نقل به معنا، به علت اقتضای قواعد ادبی معناساز در وجود و عدم جزئی معنآفرین چون «ال»، با معنای اصلی مساوی نیست؛ گرچه ممکن است این تبدیل را هم نقل به معنا ندانیم و آن را طبق مبانی نظری تصحیف - که پیش‌تر گفته شد - نوعی تصحیف ارزیابی کنیم.

۶. مَنْ نِيحَ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ.<sup>۸۰</sup>

سیوطی این روایت را از *صحيح البخاري*، *صحيح مسلم*، *سنن الترمذی* و *مسند احمد* از مغیره نقل کرده و در روایت بخاری و مسلم به همین شکل نقل شده است؛<sup>۸۱</sup> اما در روایت ترمذی به جای قید «يُعَذَّبُ» قید «عُذِّبَ» وجود دارد.<sup>۸۲</sup> در روایت ابن حنبل نیز عذاب را به زمان قیامت مقید کرده است.<sup>۸۳</sup> بنا بر این، این نقل به معنا، به علت حذف برخی قیود معناساز که همان تقید عذاب به قیامت است، با معنای اصلی مساوی نیست.

۷. لِأَنَّ يَأْخُذَ أَحَدَكُمْ حَبْلَهُ ثُمَّ يَغْدُو إِلَى الْجَبَلِ فَيَحْتَطِبُ، فَيَبِيعُ، فَيَأْكُلُ وَيَتَصَدَّقُ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ.<sup>۸۴</sup>

سیوطی این روایت را از *صحيح البخاري*، *صحيح مسلم* و *سنن النسائي* از ابوهریره نقل کرده است و در روایت بخاری به همین شکل است،<sup>۸۵</sup> اما در *صحيح مسلم* و *سنن النسائي* به جای عبارت «خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ»، این عبارت است که:

خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَأْتِيَ رَجُلًا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ، فَيَسْأَلُهُ أَعْطَاهُ، أَوْ مَنَعَهُ.<sup>۸۶</sup>

۷۷. نوادر الاصول، ج ۲، ص ۲۹۲.

۷۸. تاریخ دمشق، ج ۲۵، ص ۲۴۷.

۷۹. التَّنْوِير، ج ۷، ص ۵۶؛ *فيض القدير*، ج ۴، ص ۲۳۳.

۸۰. الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۵۱.

۸۱. صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۴۳؛ صحيح البخاري، ج ۲، ص ۸۰.

۸۲. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۱۵.

۸۳. مسند ابن حنبل، ج ۳۰، ص ۱۷۳.

۸۴. الجامع الصغير، ج ۲، ص ۳۹۹.

۸۵. صحيح البخاري، ج ۲، ص ۱۲۵.

۸۶. السنن الصغرى، ج ۵، ص ۹۶.

خَيْرُهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ رَجُلًا، يُعْطِيَهُ أَوْ يَمْنَعُهُ.<sup>۸۷</sup>

واین عبارات دارای تساوی معنایی نیستند؛ زیرا عبارت اصل، انسان را به حقیقت رزق و معاش که خدای متعال است توجه می‌دهد که اگر بنده‌ای دارایی دارد، از خدا گرفته است، پس نباید از بندگان او گدایی کرد. همچنین این نکته را هم اضافه دارند که اگر انسان به هدفش از گدایی هم برسد، یعنی چیزی هم به او داده شود، باز هم کار او نکوهیده است.

#### استفاده از لفظ اعم به جای اخص

این نقل به معنای نادرست، دارای دو مورد در نمونه منتخب است:

۱. أَيُّمَا مُسْلِمٍ اسْتَرْسَلَ إِلَى مُسْلِمٍ فَعَبَنَهُ كَانَ عَبْنَهُ ذَلِكَ رِبًّا.<sup>۸۸</sup>

سیوطی این روایت را از ابونعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء از ابوامامه نقل کرده است و در اصل آن به جای «مُسْلِمٍ» تعبیر «مُؤْمِنٍ» وجود دارد.<sup>۸۹</sup> و به مقتضای آیه (قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لَمَ تُوْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ)،<sup>۹۰</sup> ایمان برتر از اسلام و اعم از آن است. بنا براین، این نقل به معنا، به علت قرار دادن لفظ اعم به جای لفظ اخص، با معنای اصلی مساوی نیست.

۲. إِنِّي أَخْرَجْتُ عَلَيْكُمْ حَقَّ الضَّعِيفَيْنِ الْيَتِيمِ وَالْمَرْءِ.<sup>۹۱</sup>

سیوطی این روایت را از حاکم نیشابوری در المستدرک و نیز بیهقی در شعب الایمان از ابوهزیره روایت کرده است و اصل آن در کتاب المستدرک به دو گونه است: طبق یک نقل همین است<sup>۹۲</sup> و طبق نقل دیگر حاکم و نیز طبق نقل شعب الایمان، به جای «حق»، تعبیر «مال» وجود دارد<sup>۹۳</sup> و روشن است حق اعم از مال است. بنا براین، این نقل به معنا، به علت قرار دادن لفظ اعم به جای لفظ اخص، با معنای اصلی مساوی نیست.

#### استفاده از واژه متباین معنوی با اصل

این نقل به معنای نادرست، دارای چهار مورد در نمونه منتخب است:

۱. قرار دادن تعبیر «مثل» به جای «اکثر» در روایت شماره ۴ در مبحث قبل.

۸۷. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۲۱.

۸۸. الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۶۵.

۸۹. حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۱۸۷.

۹۰. سوره حجرات، آیه ۱۴.

۹۱. الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۰۵.

۹۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۳۱.

۹۳. همان، ج ۴، ص ۱۴۲؛ شعب الایمان، ج ۹، ص ۵۳۰.

۲. صَاحِبُ الْيَمِينِ أَمِينٌ<sup>۹۴</sup> عَلَى صَاحِبِ الشِّمَالِ، فَإِذَا عَمَلَ الْعَبْدُ بِحَسَنَةٍ كُتِبَتْ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، وَإِذَا عَمَلَ سَيِّئَةً فَأَزَادَ صَاحِبُ الشِّمَالِ أَنْ يَكْتُبَهَا قَالَ صَاحِبُ الْيَمِينِ: أَمْسِكْ، فَيُمْسِكُ سِتًّا سَاعَاتٍ، فَإِنْ اسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهَا لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْهِ شَيْئًا، وَإِنْ لَمْ يَسْتَغْفِرِ اللَّهُ كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ.<sup>۹۵</sup>

سیوطی این روایت را از طبرانی در المعجم الکبیر و از بیهقی در شعب الایمان از ابوامامه نقل کرده است؛ اما در یک نقل المعجم الکبیر از ابوامامه، قید «سِتًّا سَاعَاتٍ» و قید «سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ» وجود ندارد.<sup>۹۶</sup> و در نقل دیگر المعجم الکبیر از ابوامامه، قید «سِتًّا سَاعَاتٍ» وجود دارد، اما تنها قید «سَيِّئَةٌ» وجود دارد و قید مرکب «سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ» وجود ندارد.<sup>۹۷</sup> بیهقی نیز قیود مذکور در روایت سیوطی را ذکر کرده است؛ با این تفاوت که بعد از قید «سِتًّا سَاعَاتٍ» اضافه کرده است: «أَوْ سَبْعَ سَاعَاتٍ».<sup>۹۸</sup> نقل به معنا در افزودن قید «وَاحِدَةٌ» به «سَيِّئَةٌ» در روایتی که قید «وَاحِدَةٌ» را ندارد، قابل توجیه است؛ زیرا از نظر ادبی، تنوین آن می‌تواند دلالت بر وحدت کند و از نظر محتوایی نیز قرآن کریم تصریح نموده است که جزای نیکی به ده برابر و سزای بدی به همان است.<sup>۹۹</sup> اما در سایر تصرفات - که همان اطلاق در یک نقل و تعبیر هفت ساعت به جای شش ساعت در نقل دیگر باشد - نقل به معنای سیوطی قابل تصحیح نیست. بنا بر این، این نقل به معنا، به علت قرار دادن لفظ متباین به جای لفظ روایت، با معنای اصلی مساوی نیست.

۳. قَالَ اللَّهُ: ثَلَاثَةٌ أَنَا حَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ عَدَرَ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَأَسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِ أَجْرَهُ.<sup>۱۰۰</sup>

سیوطی این روایت را از صحیح البخاری و مسند احمد از ابوهریره نقل کرده است و در روایت بخاری به همین شکل است،<sup>۱۰۱</sup> اما در مسند احمد دو تفاوت وجود دارد: اولاً بعد از

۹۴. این نکته لازم به تذکار است (گرچه ارتباط مستقیم با موضوع این مقاله ندارد) که در بسیاری از کتب اهل سنت، همین تعبیر «أَمِينٌ» وجود دارد (المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۹۱؛ شعب الایمان، ج ۹، ص ۱۷۱)، اما در برخی کتب شیعه و اهل سنت، به جای تعبیر «أَمِينٌ» تعبیر «أَمِينٌ» وجود دارد (الامالی، ص ۲۰۷؛ رشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۰۲) که ظاهراً «أَمِينٌ» مناسب‌تر است.

۹۵. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۹۲.

۹۶. المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۴۷.

۹۷. همان، ج ۸، ص ۱۹۱.

۹۸. شعب الایمان، ج ۹، ص ۲۷۱.

۹۹. سوره انعام، آیه ۱۶۰.

۱۰۰. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۲۳۶.

۱۰۱. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۹۰.

«خَصَمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، این عبارت را افزوده است که: «وَمَنْ كُنْتُ خَصَمَهُ خَصَمْتُهُ» و ثانیاً به جای تعبیر «وَلَمْ يُعْطِ» تعبیر «وَلَمْ يُؤْفَقِ» آمده است.<sup>۱۰۲</sup> روشن است که استیفاء با اعطاء مساوی نیست؛ زیرا اعطای اجر یعنی اجرای راکه طبق آن قرارداد شده پرداخت کند، اما استیفاء اجر یعنی همان طور که از او کار کامل می‌طلبد، اجرا را هم کامل پرداخت کند که بسا حق او بیشتر از قرارداد باشد یا در اثنای عمل لازم شود کار بیشتری انجام دهد. بنا بر این، این نقل به معنا، به علت قراردادن لفظ متباین معنوی با لفظ اصلی روایت، با معنای اصلی مساوی نیست.

۴. صَوْتَانِ مَلْعُونَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: مِزْمَارٌ عِنْدَ نِعْمَةٍ، وَرَنَّةٌ عِنْدَ مُصِيبَةٍ.<sup>۱۰۳</sup>

سیوطی این روایت را از مسند نیاز و مختار ضیاء نقل کرده است که در مسند نیاز به همین شکل نقل شده است؛<sup>۱۰۴</sup> اما در مختار ضیاء به جای «رَنَّةٌ عِنْدَ مُصِيبَةٍ» چنین است:

صَوْتُ اللَّعْنِ عِنْدَ الْمُنْصِيبَةِ.<sup>۱۰۵</sup>

روشن است ناله با لعن تفاوت دارد؛ همان طور که از نظر رسول اکرم ﷺ ناله به هنگام مصیبت بد نیست، بلکه گفتار نادرست بد است.<sup>۱۰۶</sup> ولعن و بدگویی از روزگار و اسباب و موجودات به هنگام مصیبت - که در آن زمان شایع بوده است - نکوهید است. بنا بر این، این نقل به معنا، به علت استفاده از واژه متباین معنوی با لفظ روایت، با معنای اصلی مساوی نیست.

#### خلاصه یافته‌های تحلیل محتوا

گونه‌های مختلف «تصحیف» و «نقل به معنا»ی نادرست، به شکل خلاصه دریافته‌های تحقیق در جدول شماره ۴ بر حسب فراوانی هر گونه ارائه شده است.

جدول شماره ۴. فراوانی گونه‌های «تصحیف» و «نقل به معنا»ی نادرست در نمونه منتخب			
ردیف	نوع نقل به معنا	فراوانی	درصد
۱	نقل به معنای اذکار (با احتمال تصحیف)	۱	٪۶/۶۶
۲	نقل به معنای ادعیه	۱	٪۶/۶۶
۳	حذف قیود و اجزای دخیل در معنا (با احتمال تصحیف در دو مورد)	۷	٪۴۶/۶۶

۱۰۲. مسند ابن حنبل، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

۱۰۳. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۰۱.

۱۰۴. مسند نیاز، ج ۱۴، ص ۶۲.

۱۰۵. الأحادیث المختارة، ج ۶، ص ۱۸۹.

۱۰۶. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۵۱.

ردیف	نوع نقل به معنا	فراوانی	درصد
۴	استفاده از واژه متباین در معنا با واژه موجود در روایت	۴	٪۲۶/۶۶
۵	استفاده از واژه اعم از واژه موجود در روایت	۲	٪۱۳/۳۳
مجموع			
		۱۵	٪۹۹/۷

### یک اشکال اساسی بر نقل به معنا در الجامع الصغیر

همان طور که در مبانی نظری گفته شد، به تصریح عالمان درایه و حتی خود سیوطی، نقل به معنا پس از تدوین روایات در متون مکتوب مجاز نیست. بر این اساس، هر نوع نقل به معنا در الجامع الصغیر، حتی در صورتی که شرایط دیگر نقل به معنا را داشته باشد، مرجوح است و اگر به نقل به معنای نادرست انجامد، اشتباه است. مقایسه‌ای بین روش سیوطی و دو جامع روایی شیعی در این زمینه می‌تواند ضعف روش سیوطی را بهتر مشخص می‌کند.

مرحوم فیض کاشانی در کتاب الوافی نوشته است که ابتدا مقید هستم روایات الکافی را در هر باب بیاورم و بعد روایات التهذیب والفقیه را در ذیل آن ذکر می‌کنم.<sup>۱۰۷</sup> وسائل الشیعه نیز تفاوت در نقل‌ها را با دقت مشخص می‌کند و هرگز مانند سیوطی عمل نمی‌کند که روایتی را نقل کند و آن را به چند منبع استناد دهد که با یک یا چند و گاهی همه آن منابع تفاوت محتوایی (نقل به معنا) دارد؛ مثلاً می‌نویسد:

رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ وَرَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْمُتَمْنِعَةِ مُرْسَلًا مَعَ الزِّيَادَةِ.<sup>۱۰۸</sup>

یعنی اضافه داشتن نقل مفید را مشخص می‌کند. همچنین این روایت را از الکافی نقل می‌کند:

عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ مَنَعَ قِيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

و در ذیل آن می‌نویسد:

وَرَوَاهُ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ مِثْلَهُ.<sup>۱۰۹</sup>

۱۰۷. الوافی، ج ۱، ص ۴۰.

۱۰۸. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۳.

۱۰۹. همانجا.

به این معناکه نقل برقی عین این روایت است، اما نقل ثواب الاعمال عین این روایت نیست و شبیه آن است. آنچه در المحاسن، از ابی بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل شده دقیقاً همین است<sup>۱۱۰</sup> اما آنچه در ثواب الاعمال از ایشان نقل شده، چنین است:

فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.<sup>۱۱۱</sup>

یعنی تعبیر «قیراطاً من» در این روایت وجود ندارد.

### نتیجه

این تحقیق نشان داده است با خطای پنج درصد می توان گفت سیوطی در حدود نیمی از روایات کتاب الجامع الصغیر یعنی ۴۹٪ را نقل به معنا کرده است. از میان این تعداد، ۸٪، یعنی پانزده مورد را به شکل نادرست نقل به معنا کرده است و ۹۲٪ را به شکل درست نقل به معنا کرده است.

همچنین با خطای پنج درصد می توان گفت در کل کتاب، حدود ۰/۸۳٪ (هشتاد و سه صدم درصد)، یعنی کمتر از یک درصد تصحیف وجود دارد که این میزان از تصحیف، قابل اعتنا نیست و امری طبیعی به نظر می رسد؛ به ویژه با وضعیت دست نویسی در روزگار کهن. بنا بر این یافته ها، کتاب الجامع الصغیر دارای حجم بالایی از نقل به معنا است، اما خوشبختانه «نقل به معنا»ی نادرست در آن کم و تصحیف کمتر است؛ گرچه همین اندک از نقل به معنا نادرست نیز از یک جامع روایی آن هم از روایت شناسی چون سیوطی - که خود عالم به قواعد نقل حدیث است - قابل قبول نیست. اشکال مهم دیگری که بر او وارد است، این است که در مبانی نظری گفته شد که پس از تدوین جوامع روایی، نقل به معنا مطلقاً مجاز نیست و با پذیرش این مبنا، اشکال بسیار مهمی بر این کتاب وارد خواهد شد؛ زیرا ایشان تقریباً نیمی از روایات را نقل به معنا کرده است. در هر صورت، توصیه می شود محققان در استفاده از این منبع احتیاط کرده و مصادر اولیه را مورد بازبینی قرار دهند و به نقل ایشان اکتفا نمایند.

سه نتیجه ضمنی نیز در این تحقیق حاصل شده است:

۱. از آن جا که کتاب الجامع الصغیر برگرفته از کتاب الجامع الکبیر سیوطی است، نتایج

۱۱۰. المحاسن، ج ۱، ص ۸۷.

۱۱۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۶.

این تحقیق می‌تواند در تحلیل آن کتاب هم مفید باشد.  
 ۲. گاهی اوقات، نقل به معنا به اقتضای معجم‌سازی صورت گرفته است؛ مانند این روایت که سیوطی آن را از حلیة الاولیاء نقل کرده است:  
 بَخَلَ النَّاسُ بِالسَّلَامِ.

و اصل آن چنین است:

عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «بَخَلَ النَّاسُ»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! بِمَ بَخَلَ النَّاسُ؟  
 قَالَ: «بِالسَّلَامِ».<sup>۱۱۲</sup>

بنا بر این طبق نتایج این تحقیق می‌توان معاجم الفبایی روایی را در حد گمان‌هایی ارزیابی نمود.

۳. این تحقیق توانسته است روش تحلیل محتوای کمی را در پژوهش‌های حدیثی وارد کند و شایسته است خواننده‌ای که دغدغه روش‌شناسانه دارد، زمینه روشی در این تحقیق را نیز مورد توجه خاص قرار دهد.

### کتابنامه

- الأحدث المختارة، ضیاء الدین مقدسی، بیروت: دار خضر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق؛
- اسباب اختلاف الحدیث، محمد احسانی فرلنگرودی، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ سوم، ۱۴۳۲ق.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- بیان المختصر (شرح مختصر ابن الحاجب)، شمس‌الدین اصفهانی، السعودية: دار المدنی، اول، ۱۴۰۶ق.
- پیمایش در تحقیقات اجتماعی، واس، دی.ای، ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران: نشرنی، دوازدهم، ۱۳۸۹ش.
- تاریخ مدینة دمشق، علی بن حسن ابن عساکر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- تحقیق در علوم اجتماعی، ارل بیبی، ترجمه: رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ش.

۱۱۲. حلیة الاولیاء، ج ۱۰، ص ۴۰۳-۴۰۴.

- تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، دانیل رایف و همکاران، ترجمه: مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، آل-آن. هولستی، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- تدریب الراوی، عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، دار طيبة، بی تا.
- التصحیف فی متن الحدیث، حیدر مسجدی، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۳۲ ق.
- تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، فرامرزیع پور، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- تنبیه الخواطر ونزهة النواظر، ورام بن ابی فراس، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- التَّنویر شرح الجامع الصَّغیر، محمد بن إسماعیل کحلانی، ریاض: مکتبه دار السلام، اول، ۱۴۳۲ ق.
- ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، محمد بن علی صدوق، قم: دار الشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۸ ق.
- جلال الدین السیوطی عصره و حیاته و آثاره و جهوده فی الدرس اللغوی، طاهر سلیمان حمودة، بیروت: المکتب الاسلامی، اول، ۱۴۱۰ ق.
- حلیة الأولیاء، أبو نعیم اصفهانی، مصر: السعادة، ۱۳۹۴ ق.
- دانش درایة الحدیث، محمد حسن ربانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی ع.ا.ع.، چاپ هفتم، مهر ۱۳۹۰ ش.
- درآمدی بر تحقیق کیفی، اوه فلیک، تهران: نشرنی، دوم، ۱۳۸۸ ش.
- درسنامه فهم حدیث، عبد الهادی مسعودی، قم: انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- دلیل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعة القديمة والحدیث، محی الدین عطیه، محمد خیر رمضان یوسف، صلاح الدین حنفی، دار ابن حزم، دوم، ۱۴۱۸ ق.
- الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتب السنة المشرفة، محمد بن ابی الفیض کتانی، دار البشائر الإسلامية، ششم، ۱۴۲۱ ق.
- الرعاية لحال البدایة فی علم الدرایة (ضمن مجموعه رسائل فی درایة الحدیث)، شهید ثانی،



- قم: دارالحدیث، چهارم، ۱۳۹۰ ش.
- روش تحقیق در علوم اجتماعی، ریمون کیوی، لوک وان کامپنهود، ترجمه: عبد الحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا، پنجم، ۱۳۸۹ ش.
- روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، غلامرضا محمدی مهر، تهران: دانش نگار، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- روش های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، علی دلاور، تهران: دانشگاه پیام نور، دوم، ۱۳۸۶ ش.
- روش های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، اسماعیل بیابانگرد، تهران: نشر دوران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
- روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی، عزت الله نادری، مریم سیف نراقی، تهران: ارسباران، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ ش.
- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه، بیروت: دارالرسالة العالمية، اول، ۱۴۳۰ ق.
- سنن أبوداود، سلیمان بن الأشعث، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۸ م.
- السنن الصغری، احمد بن شعیب نسایی، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامیة، دوم، ۱۴۰۶ ق.
- شعب الإيمان، أحمد بن حسین بیهقی، ریاض: مكتبة الرشد، اول، ۱۴۲۳ ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، دار طوق النجاة، اول، ۱۴۲۲ ق.
- عمل الیوم واللیلة، أحمد بن محمد بن سنی، جدة / بیروت: دار القبلة للثقافة الإسلامیة و مؤسسة علوم القرآن، بی تا.
- فتح الباقی بشرح ألفیة العراقی، زین الدین أبی یحیی زکریا، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۲۲ ق.
- الفردوس بمأثور الخطاب، شیرویه بن شهردار دیلمی، بیروت: دارالکتب العلمیة، الأولى، ۱۴۰۶ ق.
- الفصول الغرویة فی الأصول الفقھیة، محمد حسین حائری اصفهانی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- فیض القدر، عبدالرئوف مناوی، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۵ ق.

- القوانین المحكمة، ابوالقاسم قمی، قم، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الكامل فی ضعف الرجال، أبو أحمد بن عدی، بیروت، الکتب العلمية، اول، ۱۴۱۸ق.
- کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون، مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفة، مكتبة المثني، بغداد، اول، ۱۹۴۱م
- الكفاية في علم الرواية، احمد بن علي خطيب بغدادی، مدینه منوره: المكتبة العلمية، بی تا.
- گلوگاه های پژوهش در علوم اجتماعی، محمد حسین دیانی، مشهد، نشر چاپار، چ سوم ۱۳۸۷.
- لوامع صاحبقرانی، محمد تقی مجلسی، مؤسسه اسماعیلیان، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبد الله حاکم نیشابوری، بیروت: دارالکتب العلمية، اول، ۱۴۱۱ق.
- المستصفی، محمد غزالی، بیروت: دارالکتب العلمية، اول، ۱۴۱۷ش.
- مسند ابن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد، بیروت: مؤسسة الرسالة، اول، ۱۴۲۱ق.
- مسند القضاعی، محمد بن سلامة قضاعی، بیروت: مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۰۷ق.
- مسند بزاز، أبو بكر أحمد بن عمرو بزاز، مدینه منوره: نشر العلوم والحکم، اول، ۱۹۸۸م.
- معالم الدین، حسن بن زین الدین، قم: انتشارات اسلامی، نهم، بی تا.
- المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد طبرانی، دارالحرمین، قاهره، بی تا.
- المعجم الكبير، سليمان بن أحمد طبرانی، مكتبة ابن تيمية، قاهره، دوم، بی تا.
- مقباس الهدایة، عبدالله مامقانی، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۱۱ق.
- مقدمة ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمن بن الصلاح، قاهره: دارالمعارف، بی تا.
- مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، محمد رضا حافظ نیا، تهران: انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶ش.
- منطق فهم حدیث، محمد کاظم طباطبایی، قم: مؤسسه امام خمینی، اول، ۱۳۹۰ش.
- منهج النقد فی علوم الحدیث، نورالدین محمد عتر، دمشق، سوریه: دارالفکر سوم، ۱۴۱۸ق.
- نوادر الأصول، محمد بن علی ترمذی، بیروت: دارالجلیل، بی تا.

- الوافی، محمد محسن فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امام أمير المؤمنين علي عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- وصول الاخیار الی اصول الاخبار (ضمن مجموعه رسائل فی درایة الحدیث، ج ۱)، حسین بن عبدالصمد عاملی، قم: چهارم، دارالحدیث، ۱۳۹۰ش.
- «تحلیل محتوای کیفی»، محمد تقی ایمان و محمود رضا نوشادی، دوفصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی